



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۰۲/۲۸

محمد شعیب مجددی

امید صلح

امید مرغ صلح در دام دلگیر قفس
 پرواز میخواهد
 و ما در پشت کوه قاف ظلمانی
 به امید چراغ و نور سرگردان
 بیا آن آتش ویران کن جنگ را
 به هر کنه حیانت محو و خاموش کن
 درینجا لذت و تفریح ما جنگ است
 سگ جنگی...
 مرغ جنگی...
 کبک جنگی...
 تخم جنگی...
 برف جنگی...
 شعر جنگی...
 حتی بودن جنگی...
 عقیده...
 صلح، محبت، اتفاق و رحم
 زن و مرد...
 لباس، زیبایی و شرم و حیای هم
 اقوام...
 پشتون، تاجیک، ازبیک، هزاره
 عرب، عجم
 یهود، بودائی و سیک و نصارا هم
 ز یک آدم و حوا برای آشنائی
 «لِنَعَارُ فُؤَا»
 به منظور شناخت و احترام هم
 پیدا کرد
 بیا زنجیر و جنگ برتر و بهتر ستودن
 به زیر سقف...
 سرمایه و جاه
 رتبه عالی اقوام، اهل مذهب را

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

با انوار گرانقدر و حیای آیت «تقوی» میزان کن
إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ

زبان من زبان تو
همه گل‌های یک باغ اند
دلش گر این کلمه یا عبارت را بیان دارد
خدا ساخته ما را عالم علم بیان
«عَلَّمَهُ الْبَيَانَ»
من و تو کیستیم تا مانع گفتار هم
سر الفاظ هم دایم به جنگ باشیم
بیا جنگ زبانی را جهالت گوئیم
و در دوزخ اندزیم

چرا با تار زلف دختر کوهسار
و کوتاهی ریش خارکش بیمار
زبان کینه و نفرت روا باشد

چرا دوشیزه مظلوم
مجبور، گنهکار و یا هر علت دیگر...
به روح کور چهار شاهد
که با چشمان ظاهر بین ناممکن نماید
حق و ناحق میدهند فتوی
بدست آن شریک جرم خود سنگسار میگردد

درین میهن که قلب آسیا
باب علم و اوج آدمیت بود
بجای شاهین و خیل عقاب
صد حیف هزاران حیف
قشر رهن و قاچاقبر، مفسد
و خیل زاغ‌های سیاه خصلت، زعن خوی
امام و رهبر و مرشد کردیدند
درینجا فقر، بیکاری، فساد
آتش افراطیت، جهل و تعصب
خرمن انسانیت را طعمه حلقوم خود سازد

درین میهن که تا سر درد شود مفسد
مداوا میشود در دهلی و پاریس و امریکا
ولی آن بیوه و طفل یتیم او
سر راه مرده اش
در لجن زار بی کفن نالان

یکی در بلند منزل به عیاشی و سرمستی
دیگر در کنج خیمه
به امید فتیری گشنه سرگردان
یکی شوق تجمل
دیگر غرق تعصب
یکی آزاد بی پروا
دیگر افراطیت را برده در آسمان بی پایان
بیا تا جنگها را
به امید صفا و صلح
به فردا های روشن رهنمون سازیم
و آن گره نه با دندان
به دستان پر از لطف و محبت
برادروار و خواهروار
اعضای میهن و هم نوع پذیرفتن
به آب اتحاد و اتفاق
گره ها هر چند مشکل یا که بران است
به انگشتان پاک خود
نه زهر آگین بیگانه
بگشاییم

دکتور محمد شعیب مجددی
5 فبروری 2020 شهر ترسی کلفورنیا امریکا